

فهرست مطالب



۱۳	دیباچه
۱۷	مقدمه
۲۱	فصل اول: تحلیلی بر نظام حاکم بر جرایم و مجازات‌ها در بابل باستان
۲۲	مبحث اول: موقعیت جغرافیایی، تاریخی، اقتصادی و فرهنگی بابل باستان
۲۲	گفتار اول: وضعیت جغرافیایی و تاریخی بابل
۲۳	بند اول: جغرافیای بابل
۲۴	بند دوم: تاریخ بابل
۲۶	گفتار دوم: وضعیت فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و دینی بابل
۲۸	بند اول: وضعیت فرهنگی جامعه بابل
۲۹	بند دوم: وضعیت اجتماعی جامعه بابل
۳۱	بند سوم: وضعیت اقتصادی جامعه بابل
۳۲	بند چهارم: وضعیت مذهبی جامعه بابل
۳۳	مبحث دوم: بررسی نظام جزایی بابل با تأکید بر قانون حمورابی
۳۳	گفتار نخست: گونه شناسی قوانین بین‌النهرین
۳۷	بند اول: اور-نمو، قدیمیترین قانون نامه ی جهان
۳۹	الف) قواعد حاکم بر قانون نامه اور-نمو
۳۹	۱- نابرابری افراد در برابر قانون
۳۹	۲- عدم رعایت اصل برائت
۴۰	۳- عدم رعایت اصل قانونی بودن جرم و مجازات
۴۰	ب) گونه شناسی جرایم
۴۱	۱- جرایم علیه اشخاص
۴۱	۲- جرایم علیه حیثیت و آزادی افراد
۴۲	۳- جرایم علیه عدالت قضایی
۴۳	۴- جرایم علیه مالکیت
۴۳	ج) کیفیت مجازات‌ها
۴۳	د) کیفیت ادله اثبات دعوا
۴۴	بند دوم: لیبیت ایشثار، قانون نامهای از پادشاه ایسین

- ۴۶..... الف) قواعد حاکم بر قانون لیبیت ایشتار.....
- ۴۶..... ب) گونه شناسی جرایم.....
- ۴۶..... ۱- جرایم علیه اشخاص.....
- ۴۷..... ۲- جرایم علیه اموال.....
- ۴۸..... ج) کیفیت مجازاتها.....
- ۴۸..... بند سوم: قانون نامه ی اشنونا، قانون نامهای معاصر با قانون نامه ی حمورابی.....
- ۴۹..... الف) گونه شناسی جرایم.....
- ۴۹..... ۱- قتل.....
- ۵۰..... ۲- جرایم کمتر از قتل.....
- ۵۰..... ۳- مسئولیت کیفری ناشی از فعل حیوان.....
- ۵۱..... ۴- سرقت.....
- ۵۱..... ۵- خیانت در امانت.....
- ۵۲..... ۵- غفلت در مشاغل و وظایف قانونی.....
- ۵۲..... ۶- ورود غیرمجاز به ملک دیگری.....
- ۵۳..... ب) کیفیت مجازاتها.....
- ۵۳..... بند چهارم: قانون حمورابی.....
- ۵۹..... گفتار دوم: گونه شناسی جرایم در قانون حمورابی.....
- ۵۹..... بند اول: جرایم علیه اشخاص.....
- ۵۹..... الف) قتل.....
- ۵۹..... ۱- قتل عمد.....
- ۶۰..... ۲- قتل شبه عمدی.....
- ۶۰..... ۳- قتل سهل انگارانه.....
- ۶۱..... ۴- قتل بدهکار توسط طلبکار.....
- ۶۲..... ۵- قتل با سبق تصمیم.....
- ۶۲..... ۶- فوت انسان ناشی از فعل حیوان.....
- ۶۳..... ۷- فوت ناشی از خطای پزشک.....
- ۶۴..... ۸- فوت در اثر منازعه.....
- ۶۴..... ۹- سقط جنین.....
- ۶۴..... ب) جرایم مادون قتل.....
- ۶۴..... ۱- کور کردن چشم.....
- ۶۵..... ۲- شکستن دندان، استخوان دیگری.....
- ۶۵..... ۳- سیلی زدن به دیگری.....



۶۶	۴- بیاحترامی به پدر و مادر
۶۷	۵- اتهام واهی به جرم (افترا)
۶۷	۶- تجاوز به حریم خصوصی
۶۸	۷- آدم ربایی
۶۸	۸- جرایم جنسی
۷۰	بند دوم: جرایم علیه اموال
۷۰	الف) سرقت
۷۲	ب) خیانت در امانت
۷۲	ج) جرایم مربوط به بردگان
۷۳	د) تخریب
۷۴	بند سوم: جرایم علیه عدالت قضایی
۷۴	الف) شهادت کذب
۷۴	ب) عدم گزارش وقوع جرم
۷۵	ج) تغییر حکم صادر شده توسط قاضی صادر کننده حکم
۷۶	گفتار سوم: مشخصات قانون حمورابی
۷۶	بند اول: نقش شاه به عنوان عالی ترین مرجع در امر قضاوت
۷۷	بند دوم: نظارت شدید حاکم بر امر دادرسی
۷۸	بند سوم: قابل اعتراض بودن احکام صادر شده
۷۸	بند چهارم: منع انتقام خصوصی
۷۹	بند پنجم: ایجاد نظام قانونی و قضایی متمرکز
۷۹	بند ششم: کم رنگ نمودن نقش مذهب در سیستم قضایی
۸۰	بند هفتم: تأثیرپذیری قانون نامه حمورابی از قوانین پیش از خود
۸۴	گفتار چهارم: اصول، قواعد و گونه شناسی مجازات ها در قانون حمورابی
۸۴	بند اول: اصول و قواعد حاکم بر مجازات ها
۸۴	الف) شدت و خشونت در مجازات
۸۵	ب) عدم رعایت اصل شخصی بودن مجازات
۸۶	ج) توجه به طبقه اجتماعی جانی و مجنی علیه در تعیین مجازات
۸۶	د) تناسب جرم و مجازات
۸۷	بند دوم: گونه شناسی مجازات ها
۸۷	الف) اعدام
۸۷	ب) قصاص و دیه
۸۸	ج) جزای نقدی

۸۸.....	خ) سایر مجازات های بدنی.....
۸۹.....	د) مجازات های تکمیلی.....
۱۹.....	گفتار چهارم: آیین دادرسی و ادله اثبات دعوا در قانون حمورابی.....
۸۹.....	بند نخست: آیین دادرسی کیفری.....
۹۱.....	بند دوم: ادله اثبات دعوا.....
۹۲.....	گفتار پنجم: قواعد حاکم بر نظام جزایی بابل.....
۹۲.....	بند اول: عدم حاکمیت اصل قانونی بودن جرم و مجازات.....
۹۳.....	بند دوم: عدم حاکمیت اصل برابری در مقابل قانون.....
۹۵.....	بند سوم: حاکمیت اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری.....
۹۵.....	بند چهارم: نقش دولت در جبران خسارت بزه دیدگان.....
۹۶.....	بند پنجم: منع انتقام خصوصی.....
۹۶.....	بند ششم: اصل مجرمیت افراد.....
۹۷.....	فصل دوم: نظام حاکم بر جرایم و مجازات ها در ایران باستان
۹۸.....	مبحث اول: بررسی نظام جزایی عیلام و ماد.....
۹۸.....	گفتار اول: نظام جزایی عیلامیان.....
۱۰۱.....	بند اول : منابع نظام جزایی.....
۱۰۱.....	الف) قوانین داخلی.....
۱۰۳.....	ب) قوانین خارجی.....
۱۰۴.....	بند دوم : جرایم و مجازات ها.....
۱۰۵.....	بند سوم: اصول حاکم بر دادرسی کیفری.....
۱۰۵.....	الف) شیوه دادرسی.....
۱۰۵.....	ب) ترافعی بودن دادرسی.....
۱۰۶.....	ج) علنی بودن دادرسی.....
۱۰۷.....	ه) قطعیت آراء.....
۱۰۸.....	و) عدم کتابت و شفاهی بودن قانون.....
۱۱۰.....	ز) تفکیک امور شرعی و قضایی.....
۱۱۰.....	ح) حاکمیت اصل مجرمیت.....
۱۱۱.....	ط) حاکمیت اصل نابرابری طبقاتی.....
۱۱۱.....	بند چهارم: ادله اثبات دعوا.....
۱۱۱.....	الف) داوری ایزدی.....
۱۱۱.....	ب) سوگند.....
۱۱۲.....	ج) شاهد.....



۱۱۲.....	گفتار دوم: نظام جزایی ماد
۱۱۹.....	بند دوم: ویژگی های نظام جزایی ماد
۱۱۹.....	الف) جامعه طبقاتی و عدم حاکمیت اصل برابری افراد در برابر قانون
۱۲۱.....	ب) مبنای شرعی، عرفی و حکومتی دادرسی
۱۲۲.....	ج) شفاهی بودن قانون
۱۲۳.....	د) جایگاه حاکمیت در نظام جزایی ماد
۱۲۳.....	ه) تناسب جرم و مجازات
۱۲۳.....	و) ترافعی بودن رسیدگی
۱۲۴.....	ز) فقدان قوانین مدون
۱۲۸.....	مبحث دوم: بررسی جرایم و مجازات ها در عصر هخامنشیان
۱۲۹.....	گفتار نخست: درآمدی بر موقعیت و قلمرو جغرافیایی و پادشاهان هخامنشی
۱۲۹.....	بند نخست: موقعیت و قلمرو جغرافیایی هخامنشیان
۱۲۹.....	اول: کشورهای آئسوی فرات
۱۳۰.....	دوم) خشته های اینسوی فرات:
۱۳۱.....	بند دوم : سلسله پادشاهان هخامنشی (پادشاهشناسی)
۱۳۱.....	الف) پادشاهی کوروش (۵۰-۵۳۰ ق.م)
۱۳۴.....	ب) پادشاهی کمبوجیه (۵۳۰-۵۲۲ ق.م)
۱۳۵.....	ج) پادشاهی داریوش بزرگ (۵۲۲-۴۸۶ پ.م)
۱۳۵.....	د) پادشاهی خشایار شاه اول (۴۸۶-۴۶۵ ق.م)
۱۳۶.....	ه) پادشاهی اردشیر اول (۴۶۵-۴۲۴ ق.م)
۱۳۷.....	و) پادشاهی داریوش دوم (۴۲۳-۴۰۴ ق.م)
۱۳۷.....	ز) پادشاهی اردشیر دوم (۴۰۴-۳۵۹ ق.م)
۱۳۸.....	ح) پادشاهی اردشیر سوم (۳۵۹-۳۳۸ ق.م)
۱۳۸.....	ط) پادشاهی آرسس (۳۳۸-۳۳۶ ق.م)
۱۳۹.....	ی) پادشاهی داریوش سوم (۳۳۶-۳۳۰ ق.م)
۱۳۹.....	گفتار دوم: رویکرد هخامنشیان به سن ، مذهب و عدالت (باورهای عرفی ، مذهبی و اخلاقی)
۱۳۹.....	بند اول: پابندی شاهان هخامنشی به سنت و مذهب (از شعار تا عمل)
۱۴۱.....	بند دوم: پابندی شاهان هخامنشی به عدالت و دادرزی
۱۴۵.....	گفتار سوم: منابع جرایم و مجازات ها در دوره هخامنشی
۱۴۶.....	بند اول: دستورات و احکام شاهان
۱۴۷.....	بند دوم: عرف
۱۴۹.....	بند سوم: مذهب

- گفتار چهارم: انواع و کیفیت جرایم در دوره هخامنشیان ۱۴۹
- بند اول: جرایم علیه نظم عمومی ۱۵۰
- بند دوم: جرایم علیه مذهب و مقدسات دینی ۱۵۰
- بند سوم: جرایم علیه حاکمیت و شاه ۱۵۰
- گفتار پنجم: کیفیت و اقسام مجازات ها در دوره هخامنشیان ۱۵۲
- بند اول: کیفیت اجرای مجازات ۱۵۲
- بند دوم: اقسام مجازات ها در دوره هخامنشیان ۱۵۳
- الف) اعدام و انواع آن ۱۵۳
- ۱- دو کرجی ۱۵۴
- ۲- کوبیدن سنگ بر سر ۱۵۵
- ب) حبس ۱۵۶
- ج) تبعید ۱۵۶
- د) زنجیر کردن ۱۵۶
- ه) تازیانه ۱۵۷
- و) جزای نقدی ۱۵۸
- ز) مصادره اموال ۱۵۸
- ط) قطع عضو (مثله) ۱۵۸
- ی) مجازات های تکمیلی ۱۵۹
- گفتار ششم: شاخصه های تعیین مجازات ۱۶۰
- گفتار هفتم: اصول و قواعد مجازات ها در زمان هخامنشیان ۱۶۱
- بند اول: شدت و خشونت مجازات ها ۱۶۲
- بند دوم: عدم تطابق جرم و مجازات ۱۶۲
- بند سوم: توجه ویژه حکام به جرایم علیه شاه و حاکمیت ۱۶۲
- بند چهارم: عدم وجود مبانی یکسان و ثابت در مجازات ها ۱۶۳
- بند پنجم: توجه به شخصیت متهم در تعیین مجازات ۱۶۴
- گفتار هشتم: مقامات و تشکیلات متصدی رسیدگی به جرایم و تعیین مجازات ۱۶۵
- بند اول: شاه ۱۶۶
- بند دوم: قضات شاهی ۱۶۷
- بند سوم: ساتراپ ها (والیان) ۱۶۹
- بند چهارم: محاکم محلی ۱۷۱
- گفتار نهم: آیین دادرسی کیفری در عصر هخامنشیان ۱۷۳
- بند نخست: آیین دادرسی ۱۷۳

۱۷۴.....	بند دوم: ادله اثبات دعوی
۱۷۵.....	الف) اوردالی
۱۷۵.....	۱- ور سرد و گرم
۱۷۶.....	۲- سوگند خوردن
۱۷۸.....	ب) اعاده حیثیت
۱۷۹.....	بند سوم: حقوق دفاعی متهم
۱۸۰.....	مبحث سوم: بررسی نظام حاکم بر جرایم و مجازات ها از سلوکیان تا ساسانیان
۱۸۰.....	گفتار نخست: نگاهی بر جرم و مجازات در دوره اسکندر و سلوکیان
۱۸۱.....	گفتار دوم: بررسی جرایم و مجازات ها در دوره اشکانیان
۱۸۲.....	بند اول: جرایم و مجازات ها در دوره اشکانیان
۱۸۴.....	بند دوم: مسئولیت کیفری در دوره اشکانیان
۱۸۴.....	بند سوم: آیین دادرسی و مقامات رسیدگی به جرایم و مجازات ها
۱۸۵.....	بند چهارم: مجالس مشورتی در دوره اشکانیان
۱۸۶.....	گفتار سوم: نظام حاکم بر جرایم و مجازات ها در عصر ساسانیان
۱۸۷.....	بند نخست: اصول وقواعد حاکم بر حقوق کیفری در عصر ساسانیان
۱۸۸.....	الف) عدالت خواهی نظام کیفری در عصر ساسانیان
۱۹۴.....	ب) آمیخته شدن حقوق کیفری با مذهب
۱۹۶.....	ج) علنی بودن دادرسی
۱۹۷.....	د) اخذ وثیقه از متهم
۱۹۷.....	ه) وجود محاکم دادرسی اختصاصی
۱۹۸.....	بند دوم: منابع حقوق کیفری در عصر ساسانیان
۱۹۸.....	الف) دستورات و احکام پادشاه
۲۰۰.....	ب) مذهب و مقررات زردتشتی
۲۰۰.....	ج) رویه قضایی
۲۰۱.....	د) عرف
۲۰۲.....	بند سوم: اصول حاکم بر جرایم و مجازات ها در دوره ی ساسانیان
۲۰۲.....	الف) اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها
۲۰۳.....	ب) اصل تساوی افراد با جامعه در برابر قانون
۲۰۳.....	ج) اصل شخصی بودن جرایم و مجازات ها
۲۰۳.....	د) اصل تناسب جرم و مجازات
۲۰۵.....	فصل سوم: تأثیر نظام جزایی بابل بر نظام جزایی ایران باستان
۲۰۶.....	مبحث اول: تأثیر نظام جزائی بابل بر نظام جزایی عیلام

۲۱۲	مبحث دوم: تأثیر نظام جزایی بابل بر نظام جزایی ماد
۲۱۴	گفتار اول: تمدن آشور و تأثیرپذیری آن از بابل
۲۱۵	گفتار دوم: تاریخ سیاسی ماد و ارتباط آنها با آشور
۲۱۹	گفتار سوم: تأثیر نظام قضایی آشور بر ماد
۲۲۳	مبحث سوم: تأثیر نظام جزایی بابل بر نظام جزایی هخامنشیان
۲۲۵	گفتار اول: تأثیر مستقیم
۲۳۰	گفتار دوم: تأثیر غیرمستقیم
۲۳۵	مبحث چهارم: تأثیر نظام جزایی بابل بر نظام جزایی اشکانیان
۲۳۹	مبحث پنجم: تأثیر نظام جزایی بابل بر نظام جزایی ساسانیان
۲۴۳	منابع و مآخذ

avabook.com

دستگاه



تاریخ همواره تکرار می شود و عدم آگاهی از تاریخ باعث می شود به سرنوشت قوم هایی گرفتار شویم که با عبرت نگرفتن از سرنوشت گذشتگان مغلوب تاریخ و در آن محو شدند و در مقابل اقوامی که به تاریخ سرزمین خود اشراف داشتند همواره با آگاهی با اتفاقات و پیش آمدها مقابله کرده و بر تاریخ فائق آمدند و نام نیک از خود بجا گذاشتند.

تاریخ سرزمین ایران تاریخی است کهن و پر رمز و راز که از طرفی مردان بزرگی همچو کورش، داریوش، امیر کبیر و ... در آسمان آن به ستاره ای درخشان تبدیل شدند و ایران و ایرانی را همواره در جهان سربلند و بلندمرتبه نمودند و از خود نام نیک به جای نهادند و در مقابل سفاکان خونریزی هم چون چنگیزخان و تیمور لنگ و ... یا شاهان بی عرضه و بی لیاقتی همچون فتحعلیشاه قاجار فرصت حکومت بر این سرزمین مقدس را یافتند که ذلت بارترین و ننگین ترین روزهای تاریخ ایران را رقم زدند و خود را به منفورترین موجودات تاریخ ایران تبدیل نمودند و هر کدام چند دهه تاریخ و فرهنگ و تمدن ایران را به عقب راندند.

ایران در زمان باستان، محل فرمانروایی و حکمرانی سلسله های مختلفی بود که هر یک خصوصیات و ویژگی های خاص خود را داشتند و بیشترین قدرت و اقتدار ایران مربوط به همین دوران است. چرا که در عصر باستان قبیله های قدرتمندی همچون هخامنشیان و ساسانیان در ایران حکومت می کردند که در همه زمینه ها دارای سبک و روش خاص خود بودند که سیستم اجرای عدالت نیز از این امر مستثنی نبود. به طوری که علیرغم این که کشور ها و سرزمین های زیادی تحت امر آن ها بودند خود را همواره در مقابل مردم مسئول و موظف در اجرای عدالت می دانستند و حتی شخصاً قضاوت و رسیدگی می کردند به طور نمونه شاهان هخامنشی و ساسانی در اکثر دوره ها ((بارعام)) می دادند و در روزهای معین شخصاً به قضاوت می نشستند و حتی خودشان را هم در مقابل قانون مسئول می دانستند.

به طور نمونه در جشن مهرگان یا نوروز شخص شاه هخامنشی در نزد موبد موبدان به صورت دوزانو می نشست تا به شکایات مردم از وی رسیدگی شود و عدالت پادشاهان بزرگی همچون کوروش و داریوش و انوشیروان در همه جهان پیچید و هنوز هم الگوی عدالت می باشند به طوری که ملل مختلف و اکثر مورخین از کورش و داریوش به عنوان عادل و خیرخواه یاد کرده اند و منشور حقوق بشر کورش به عنوان اولین منشور حقوق بشر در سر در سازمان ملل نصب شده است.

در ایران باستان مبنای حقوق بیشتر عرفی بود و در برخی از دوره ها، مبنای دینی هم در کنار مبنای عرفی قرار گرفت و دین زرتشت مهمترین مبنای دینی در ایران باستان بود. مردم نیز در ایران باستان شدیداً پایبند به سنت و مذهب بودند و شاهان به همین دلیل برای کسب مشروعیت خویش خود را تابع سنت ها و قواعد مذهبی می دانستند و منشاء حکومت خود را الهی می دانستند به طوری که هخامنشیان همواره اعلام می کردند که حکومتشان هدیه ای از سوی اهورا مزدا است و نماینده ی خداوند در زمین هستند.

نظام جزایی در سرزمین ایران در مدار و در عرض تاریخ پر رمز و راز کشورمان طی مسیر نموده است و مطالعات و یافته ها نشان می دهد که ایران همواره و در اعصار مختلف دارای نظام جزایی و ساختار (اگرچه در برخی اعصار به شکل بدوی و ابتدایی) بوده است. به اعتقاد ما دوره بندی تاریخی گاهها متفاوت از دوره بندی نظام های جزایی شکل گرفته است. به طوری که گاه و در برخی از اعصار سلسله های متعدد جایگزین هم شد اند اما به لحاظ نظام و ساختار جزایی تغییر خاصی به چشم نمی خورد. در واقع به طور قطع و یقین بین تغییرات تاریخی و تغییر در سیستم جزایی ملازمه حتمی و قطعی وجود ندارد. در برخی از زمان ها نیز عواملی همچو مذهب، فرهنگ و یا سنت های هم رنگ در بین چند سلسله تاریخی به عنوان فصل و مبنای مشترکی عمل نموده و باعث تداوم و ثبات در نظام جزایی در یک دوره طولانی گردیده است. در مسیر شکل و انکشاف سیستم جزایی کشورمان عوامل متعددی همچو اختراع خط، جنگ ها و طغیان ها، انقلاب های سیاسی، عقاید مذهبی و تأثیرگذار بوده و گردش چرخه تحولات نظام جزایی را گاه کند و گاه شتابان نموده است.

مطالعه تاریخ حقوق و بررسی این فراز و فرودها می تواند از دو جهت برای ما مفید باشد: جهت اول این است که با استفاده و به کارگیری از نکات مفید و مثبت، قوانین و نظام حقوقی خویش را پویاتر نماییم و جهت دوم این است که با عبرت گرفتن از نکات منفی، از تجربه روش ها و سازوکارهایی که در تاریخ تجربه شده اند و نتیجه مثبت نداشته اند خودداری نماییم. بنابراین تحقیق در زمینه تاریخ حقوق امری اجتناب ناپذیر و ضروری می باشد که می تواند سبب رشد و شکوفایی نظام قضایی در هر جامعه ای گردد.

امیدواریم تحقیق پیش رو بتواند برگ سبزی باشد پیشکش به علاقمندان به تاریخ این مرز و بوم کهن و نقطه آغازی در مسیر پژوهش در عرصه تاریخ حقوق کیفری که بسیار جای قلم فرسایی دارد. فراموش نکنیم که گذشته چراغ راه آینده است و تاریخ، دفتر ثبت اشتباهات جامعه بشری و هرچی بیشتر بدانیم کمتر اشتباه میکنیم.

در پایان از همه دوستانی که ما را در انجام این پژوهش یاری نمودند، قدردانی نموده و از همراهی صمیمانه مدیریت محترم انتشارات آوا جناب آقای کاظمی و کلیه همکاران پر تلاش ایشان که زمینه چاپ این اثر بدیع را فراهم آوردند سپاسگذارم.

دکتر علی طالع زاری

فاطمه شریفیان

گرگان، بهار ۱۳۹۶ خورشیدی

avabook.com

مقدمه



جوامع دنیا، از امپراطوری‌های بزرگ گرفته، تا قبیله‌های ابتدایی کوچک، برای برقراری نظم و امنیت جامعه و همچنین تعیین تکالیف افراد، نیازمند به اصول و قواعدی بودند که بین روابطشان در جامعه حاکم شود. این اصول و قواعد ابتدا همان عرف و عادت‌ها بود که در بین مردم و با مرور زمان شکل گرفته بود و بدان احترام گذاشته می‌شد. کم‌کم مذهب هم با ایجاد باید و نبایدهای خاص خود وارد روابط افراد شد و منبع دوم این اصول و قواعد گردید. احکام و دستورات پادشاهان، جوامع باستانی نیز به نحوی سومین منبع این اصول و قواعد شده و خواستند با القای حاکمیت خود بر مردم، زمام امور را از طریق کنترل و حمایت از این باید و نبایدها به عنوان قدرت مطلق بدست بگیرند.

قانون، مجموعه‌ای از همین اصول و قواعد یا نبایدها و نبایدهاست که از گذشتگان بسیار دور ایجاد شده و امروز به این مرحله از تکامل رسیده است. بی‌شک این مسیر تکامل یافته حاصل مدت زمان کوتاهی نیست و عمری به بلندای تاریخ بشر دارد. تاریخ نشان داده است که استمرار حاکمیت در هر جامعه‌ای با پذیرش قواعدی که قانون نامیده می‌شود امکان پذیر است. تاریخ حقوق روایت و سرگذشت قانون است که از ضمانت اجرای آن با عنوان نظام کیفری یاد می‌نمایند.

تاریخ حقوق هر ملیتی بیانگر بخش عمده‌ای از تاریخ تمدن آن است. با آگاهی از تاریخ حقوق هر ملتی از سطح تمدن و میزان رشد مدنیت آن ملت آگاهی پیدا می‌کنیم. وجود نهادهای حقوقی مختلف مانند قانون مدون، جرم‌انگاری جرایم، نظام مجازات‌ها، آئین دادرسی کیفری و آئین اجرای احکام، سیستم قضات و شیوه‌ی اداره‌ی دادگاه‌ها بیانگر سطح تکامل تمدن در یک ملت است. این کار تحقیقی ناقل تاریخ حقوق ایران در دوران باستان است اما از زاویه و چشم اندازی دیگر.

مردم ایران، از روزگاران قدیم معروف به عدالت طلبی و ظلم ستیزی بودند. این ویژگی ایرانی‌ها، در گذشته مورد توجه بسیاری از مورخان و تاریخ نگاران قدیم بوده و آنها وجود این خصلت را در مقایسه با تمدن های دیگر تحسین کرده‌اند. دوره ی قبل از استیلای اعراب بر خاک ایران دوران باستان نامیده می‌شود که این دوران شامل حکومت‌های ایرانی عیلام، ماد، پارس، اشکانی و ساسانی می باشد. این دوران که از ۳۲۰۰ سال ق.م شروع و تا ۶۵۱ م پایان یافته است فراز و فرود بسیاری از تمام جنبه‌ها، علی الخصوص جنبه قضای، پشت سر گذاشته است.

آنچه مسلم است وجود نهاد قضایی مستقل در این دوران و در هر کدام از حکومت ها و امپراطوری های گفته شده می باشد. در هر دوره از حکومت، نظام حقوقی و جزایی، سیستم قانون گذاری و عملکرد مستقلی وجود داشت و به نظر می رسد که در دوران هخامنشیان و ساسانیان نظام قضایی و سیستم قانون گذاری در ایران باستان به بهترین شکل ممکن متجلی شد. همه چیز از جوامع بدوی و اولیه شروع می‌شد و بعد به سطحی می رسید که نظام قضایی در آن دوره، الگویی برای نظام های قضایی دوره های بعدی می شد.

از همان ابتدا، شاهان بزرگ این خطه در دوران باستان، مانند دیااکو، داریوش، کوروش، مهرداد، اردشیر و انوشیروان پی به این مهم برده بودند که اجرای عدالت بدون داشتن یک سلسله قوانین و مقررات اجتماعی میسر نیست و در واقع عدالت چیزی جز اجرای قوانین و تنبیه کسانی که از قانون سرپیچی می‌کنند نمی‌باشد. شاهان ایرانی از همان ابتدای تاریخ یکی از وظایف عمده خود را اجرای عدالت در بین اتباع خود می‌شمردند و برای رسیدن به این مهم اقدامات زیادی انجام می دادند. تاریخ گواه این است که بی‌توجهی به عدالت یکی از دلایل عمده‌ی انحطاط حکومت‌ها بوده است. با نگاهی به دوره‌ی حکومت هر سلسله می‌بینیم که این دولت ها مدت زمان زیادی حاکم بر ایران بودند. به طور مثال مادها بیشتر از صدوپنجاه سال، پارس ها بیشتر از دویست سال، اشکانیان حدود به پانصد سال و ساسانیان، چهارصد و اندی سال حاکم بر ایران بودند.^۱ بعد از دوران باستان هیچ کدام از دولت های روی کار آمده، مانند دوران باستان، با این مدت زمان طولانی نتوانستند بر ایران حکومت کنند و این مطلب نشان از

^۱ - ر.ک به تاریخ باستان fa.wikipedia.org/wiki

جایگاه والای عدالت و حق طلبی در دوران باستان است. بی شک نظامهای قضایی حکومت‌های ایران باستان، حافظ آنان در تمام مدت حکومتشان بود. هیچ جامعه‌ای بدون قانون و عدالت گستره نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد. دوران طلایی و طولانی سلسله‌های تاریخی در ایران باستان گواه وجود نظام قضایی و سیستم قانونگذاری کارآمد و مناسب می‌باشد.

بزرگترین و متمدن‌ترین همسایه آریایی‌ها، مردمان بین‌النهرین بودند. بین‌النهرین سرزمین خوش آب و خاکی بود که زادگاه قدیمی‌ترین و تکامل یافته‌ترین تمدن‌های جهان باستان محسوب می‌شد. از میان تمدن‌های بین‌النهرین، تمدن بابل دارای ویژگی‌های منحصر به فردی بود و وارث تمام تمدن‌های این سرزمین محسوب می‌شد. بابل از همه نظر نسبت به رقیبان خود منحصر به فرد بود. او وارث تمدن سومر بود و همیشه مورد نظر و توجه همسایگان خود قرا می‌گرفت و به عنوان تمدن برتر تأثیر بسزایی در شکل‌گیری تمدن‌های اطراف داشت.

یکی از برجسته‌ترین ابعاد تمدن بابل سیستم قانون‌گذاری و نظام قضایی آن می‌باشد. برجسته‌ترین نماد قانون‌گذاری این تمدن قانون نامه حمورابی می‌باشد که جلوه‌ای از نظام جزایی و حقوقی بابل است. بابل به واسطه‌ی ارتباطی که با همسایگان خود داشت تأثیر بسزایی در سیستم قانونگذاری و نظام حقوقی و قضایی آنها داشت. ایران در طی ادوار مختلف و حکومت‌های یاد شده ارتباط زیادی با بابل به عنوان یک کشور فتح شده یا یک کشور فاتح داشت و تأثیراتی در زمینه‌ی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، هنری، معماری و علی‌الخصوص در زمینه قانون‌گذاری و نظام حقوقی و جزایی از بابل پذیرفته بود. بابل به عنوان تمدن برتر و بالاتر از تمدن ایران، علی‌الخصوص در زمینه قانونگذاری و نظام حقوقی و جزایی، تمدن مؤثر بود و خواه ناخواه بر ایران تأثیرگذار شد. این تأثیر در هر کدام از سلسله‌های مختلف به شکلی بروز نمود و جزوی از فرهنگ جزایی ایران شد و از این طریق به نسل‌های بعدی انتقال یافت و این در حالی بود که هر کدام از آنها دارای نظام حقوقی و جزایی خاص خود بودند.

علی‌الاصول، در زمینه تاریخ حقوق ایران در دوران باستان اندک کار شده که این کمی به خاطر محدود بودن اطلاعات ما از این دوره می‌باشد ولی این کمبود اطلاعات دلیلی خوبی برای رها نمودن تاریخ حقوق کشورمان در دوران باستان نمی‌باشد. باید با توجه به اطلاعات سیاسی، نظامی، اقتصادی، فرهنگی دست به بازسازی تاریخ حقوق در این دوره زد و تاریخ

حقوق ایران باستان را از ابعاد مختلف بررسی نمود. تأثیرگذاری بابل بر سیستم قانونگذاری و نظام حقوقی و قضایی مبحثی است که اصلاً بدان پرداخته نشده و اطلاعات در این مورد بسیار پراکنده و غیر مرتبط بیان شده است. از این رو بر آن شدیم تا با مروری کوتاه ولی مفید به تاریخ حقوق جزایی در این دوره به بررسی میزان تأثیرپذیری ایران باستان در این زمینه از بابلیان بپردازیم و هر دوره را به طور مجزا در این باب بررسی کنیم.

avabook.com

فصل اول

تحلیلی بر نظام حاکم بر جرایم و مجازات‌ها
در بابل باستان

مبحث اول : موقعیت جغرافیایی ، تاریخی، اقتصادی و فرهنگی بابل باستان

گفتار اول: وضعیت جغرافیایی و تاریخی بابل

تاریخ بشر در واقع از سومر آغاز می شود. سومر واقع در جنوب عراق کنونی ، یک سرزمین باستانی بین واقع در میان دو رودخانه است . این منطقه آفتابی و کم باران نام خود را مدیون دو رودخانه دجله و فرات است که از آن می گذرند. این رودخانه ها نخستین جوامع بشری را به خود جلب کرده و اقوام زیادی در سرزمین واقع در میان این دو رود ساکن شدند. به لطف وجود این رودخانه ها کشاورزی به سرعت در این سرزمین شکل گرفت و توسعه یافت. در حدود ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد شهرهای سومری و به ویژه اور رو به زوال نهادند و این امر موجب پیدایش پادشاهی های کوچک مستقل در این منطقه شد. یکی از این سلطنت ها در پیرامون شهر بابل ایجاد گردید که دارای یک سرنوشت منحصر به فرد شد^۱. شهر بابل در منطقه کلدی یا بابیلونیا در واقع در سرزمین سابق کشور اکد ایجاد شده بود و خیلی زود به قدرت برتر منطقه تبدیل گردید و یک امپراتوری شد.

در قدیم سرزمین بابل را کلدی می نامیدند و آن شامل بخش جنوبی بین النهرین می باشد که این خطه قدیمی یک قسمت از عراق را دربر داشته و از جوار بغداد و کربلا تا خلیج بصره امتداد می یافته، این منطقه مسکن کلدانیها بوده که یکی از قدیمیترین اقوام سامی به شمار می رفته اند. کلدی یا بابل نوین نماینده سومین مرحله تاریخ فرهنگی دجله و فرات است. شهر باستانی بابل پایتخت امپراتوری تازه کلدی شد و کلدی سرزمینهای سومر، اکد، آشور، دمشق و فلسطین را در بر می گرفت^۲. در آن زمان دوردست، حتی انتخاب نام بابل نیز نشانگر آن بود که آینده اش درخشان است زیرا باب- ایلی (Bab-Ili) به معنای « دروازه خدا» است! و بابل توانست به نیروی تمدن خویش بر دشمنانش و جهانگشایان و اقوام جنگجوی کوهستانها، آشوریان و کاسیان و هوریان و هتیان چیره شود و آنانرا در راه مجد و عظمت و افتخارش، به

^۱ - تاریخ ملل قدیم آسیای غربی احمد بهمنش ، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۶۹ ص ۸۷

^۲ - کوروفکین، فتودرو. پ، تاریخ شرق باستان، ترجمه م. بیدسرخ، انتشارات محور، چاپ اول، صص ۱۳۶-۱۳۵

همکاری و ادارد. موقعیت محلی بابل بسیار خوب بود. اطراف آن را زمین های حاصلخیز فرا گرفته بود. بابل در محلی قرار داشت که دجله به فرات خیلی نزدیک می شد.^۱

بازرگانان از قسمت بالای رودخانه های فرات و دجله، با قایقهای بزرگ، کالاهایی را که مورد احتیاج میاندورود جنوبی بود به آنجا می آوردند. دو جاده مهم میاندورود هم از بابل می گذشت. بابل به خاطر موقعیت محلی بسیار خوبی که داشت، به بزرگترین و ثروتمندترین شهر تجاری میاندورود تبدیل شد. در مدارس آن نجوم و طب و طبیعیات و الهیات تدریس می شد. طالس و فیثاغورث از این مرکز دانش کسب علوم کردند.^۲

بند اول: جغرافیای بابل

تمدن بین‌النهرینی یا سومری از نخستین تمدن‌های بشری بود که در چندین شهر باستانی شکوفا شد، در بین آنها بابل که وارث تمدن سومر بود، تأثیرگذارترین آنها محسوب میشد. با اینکه سومریان تمدنی کهن‌تر از بابل داشتند و بسیاری از علوم و فنون، فرهنگ و اجتماع، حقوق و عدالت و بسیاری از اختراعات را برای آنان به ارث گذاشتند، اما آثار باقی مانده بیشتر مربوط به بابل است و فقط از طریق لوحه‌ها و کتیبه‌های آنهاست که می‌توان از دنیای درون و برون انسان بین‌النهرینی روزگاران کهن تصویری پیدا کرد. شهر بابل پایتخت سرزمین باستانی بابیلونیا^۳ در جنوب بین‌النهرین قرار گرفته است. بابل در هشتاد کیلومتری رودخانه فرات در جنوب شهر بغداد امروزی و در مکانی است که «الحیله» نامیده می‌شود قرار داشت. این سرزمین باریک و بلند که در پهن‌ترین نقطه حدود ۶۵ کیلومتر پهن و سیزده هزار کیلومتر مربع وسعت دارد، از شمال با کشور آشور، از شرق با کشور عیلام، از جنوب و غرب با عربستان و از جنوب شرقی با خلیج فارس همسایه بود.^۴

همان‌طور که گفته شد، سومر اولین و قوی‌ترین دولت شهر میان رودان بود و بابل وارث تمدن سومری. ساکنان بابل از تبار دو قوم سومری و سامی هستند. کار اصلی آنها کشاورزی بود

^۱ - حکمت، علی اصغر، تاریخ ادیان، انتشارات ابن سینا، صص ۶۶-۶۵

^۲ - <http://tarikhema.parsiblog.com/Archive>

^۳ - Babylonia

^۴ - جمال پور، بیتا، ۱۳۸۵، تمدن بابل اندیشه ای هنرمندانه، مجله جلوه هنر، شماره ۲۶، ص ۵.